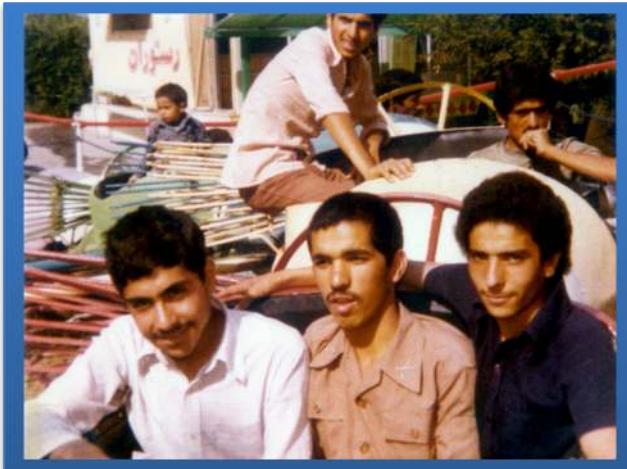
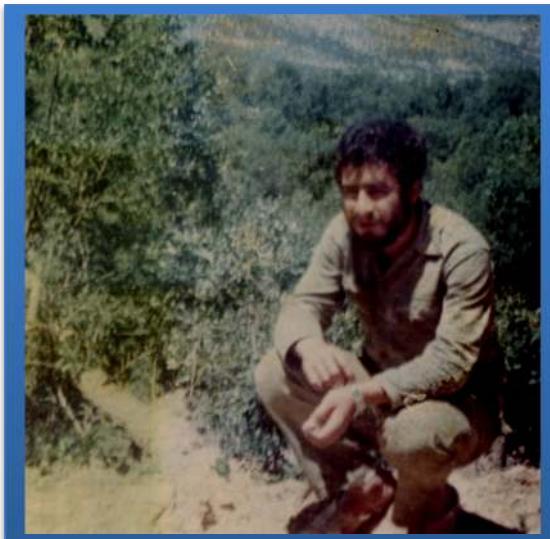


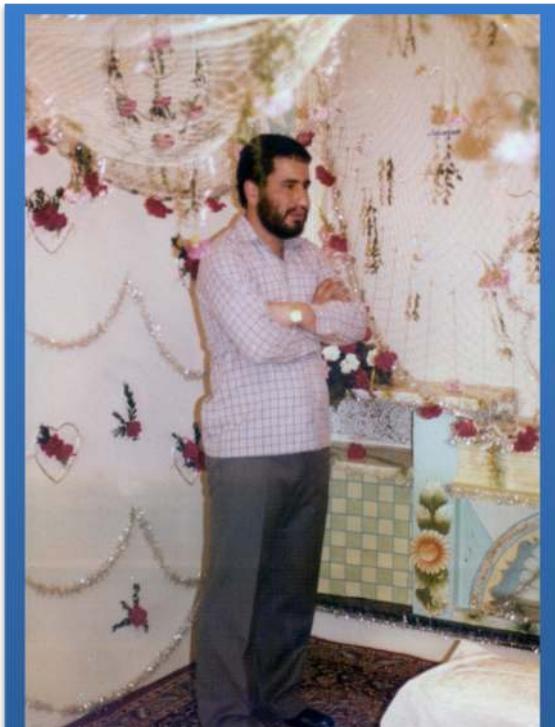
نام: حمید
نام خانوادگی: فرشاد
نام پدر: کاظم
تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱۲/۱۴
 محل تولد: اصفهان
 تحصیلات: دوم راهنمایی
 وضعیت تأهل: مجرد
 تاریخ عضویت: ۱۳۶۰/۱۲/۱۵
 مسئولیت: جانشین عملیات سپاه بانه
 تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۸/۲۴
 محل شهادت: بانه
 نحوه شهادت: کمین ضد انقلاب
 محل دفن: گلستان شهداء اصفهان



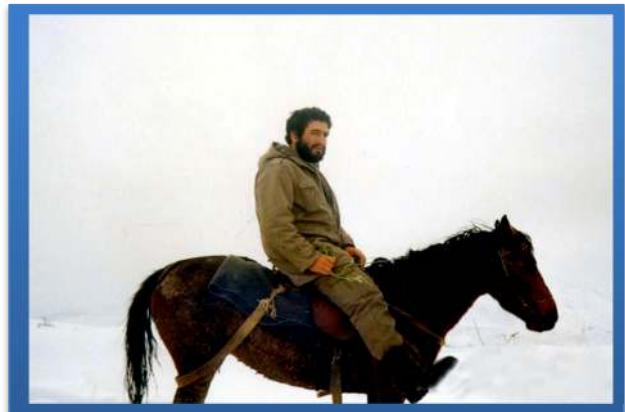
حمید ۱۴ اسفندماه ۱۳۴۱ در اصفهان متولد شد. سه
 ساله بود که پدرش را از دست داد.



با این که بعد از مدرسه به خیاطی می‌رفت و کار می‌کرد؛
اما درسش خوب بود. تمام درآمدش از کار در خیاطی را
برای کمک به مخارج خانواده به مادرش می‌داد.



به کتاب خواندن علاقه‌مند بود. حجب و حیای عجیبی داشت. بسیار آرام بود و زیاد اهل صحبت کردن نبود.
عاشق عکاسی بود و کمک کردن به دیگران را دوست داشت.



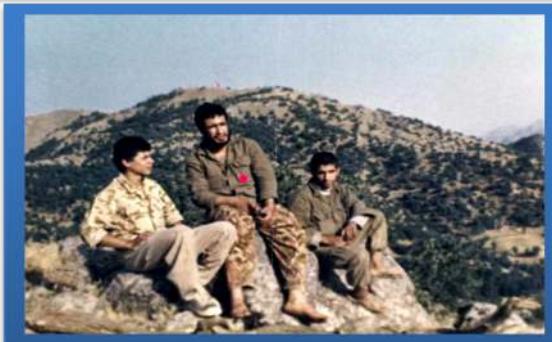
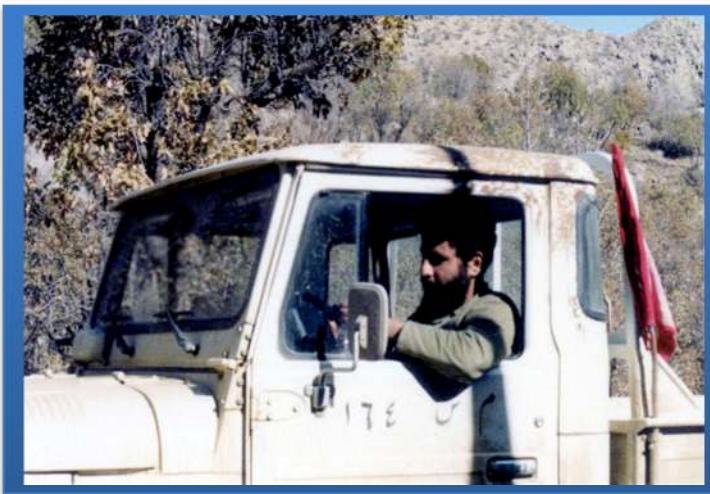
تا سوم راهنمایی بیشتر درس نخواند. بعد از آن سرش به مسجد و انقلاب و فعالیت‌های انقلابی گرم شد.



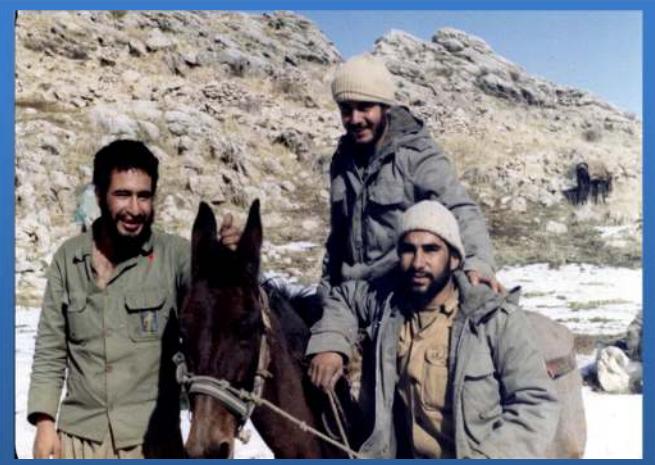


زمستان سال ۱۳۶۰ به عنوان نیروی بسیجی، داوطلب به کردهستان اعزام شد.

بعد از مدتی به توصیه فرماندهان ضمن فراگیری آموزش‌های تخصصی دیدهبانی توپخانه به عضویت رسمی سپاه درآمد.



در عملیات آزادسازی جاده بانه - سرداشت شرکت کرد
و شجاعت بی نظیری از خود نشان داد.

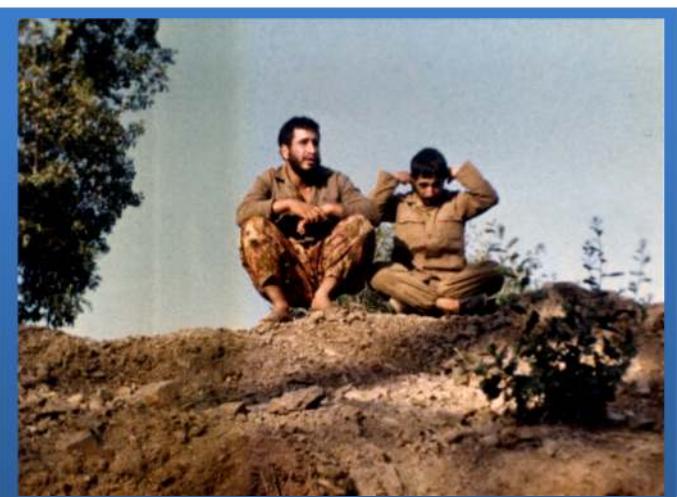


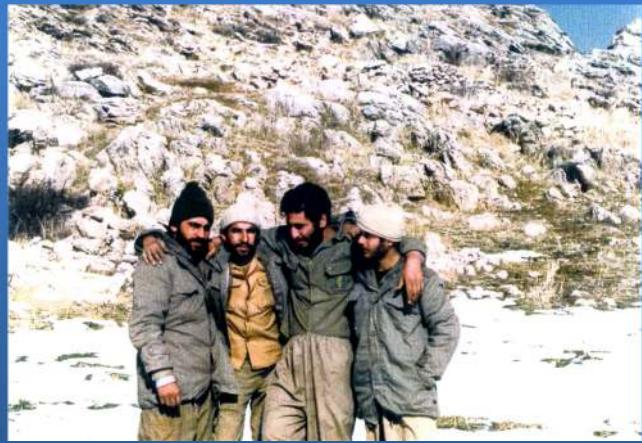
مدتی بعد به مریوان منتقل شد و به عنوان مسئول اطلاعات برومنزی و اطلاعات - عملیات سپاه مریوان خدمت کرد.



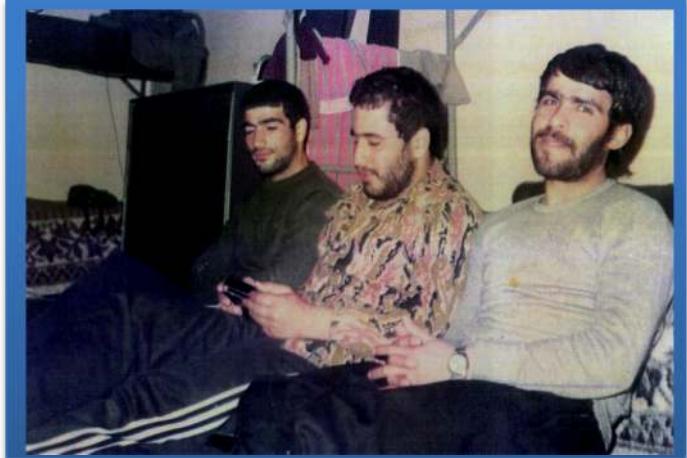


پس از آن بنا به تشخیص فرماندهان عملیات به
بانه اعزام شد و به عنوان فرمانده محور کوخار
به مبارزه با دشمن مشغول شد.





در بانه نیز به واسطه درایت کارданی و شجاعت بی‌نظیری
که از خود نشان داد به سمت جانشین عملیات سپاه بانه
منصوب شد.

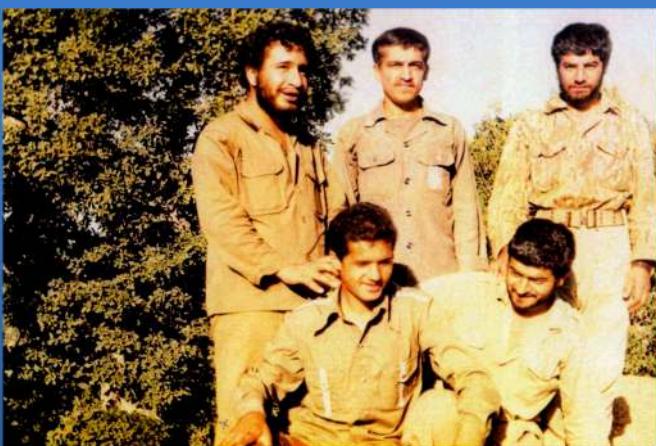
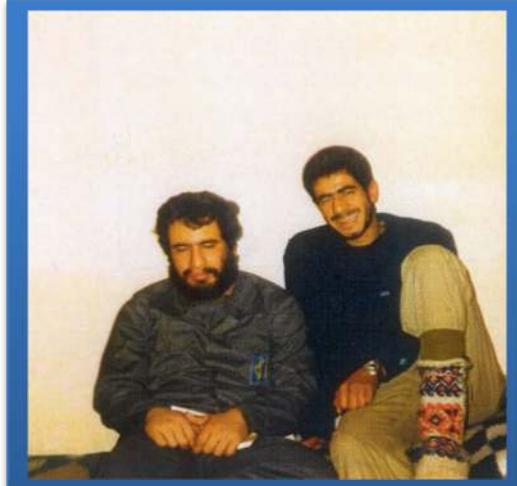




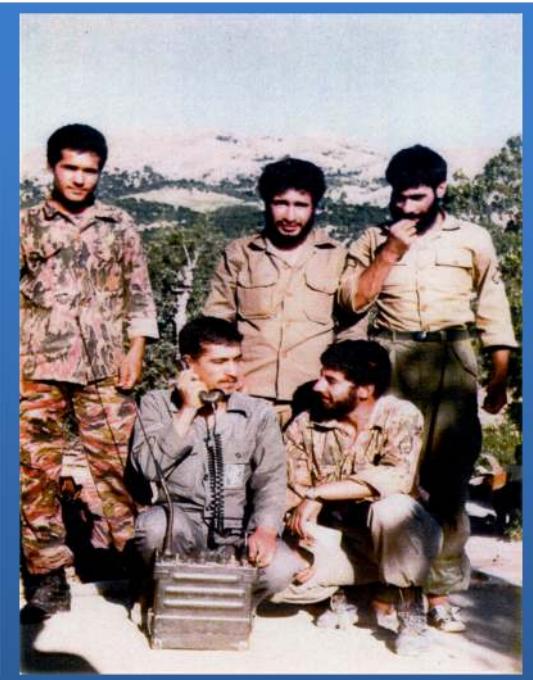
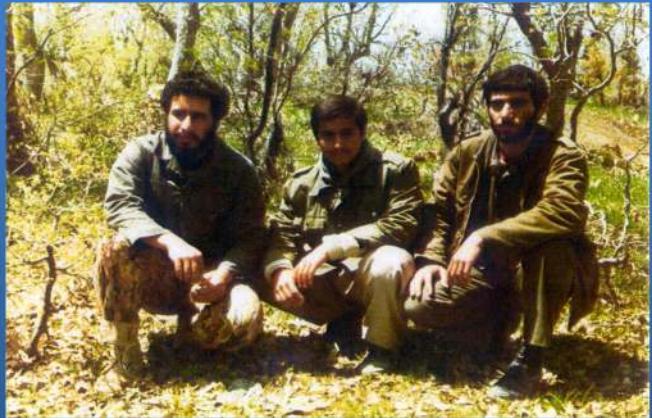
فکر و ذکرش جبهه و جهاد و شهادت بود، طوری که حتی باز مسئولیت مادر و برادر مریضش هم مانع از حضور او در جبهه نشد.

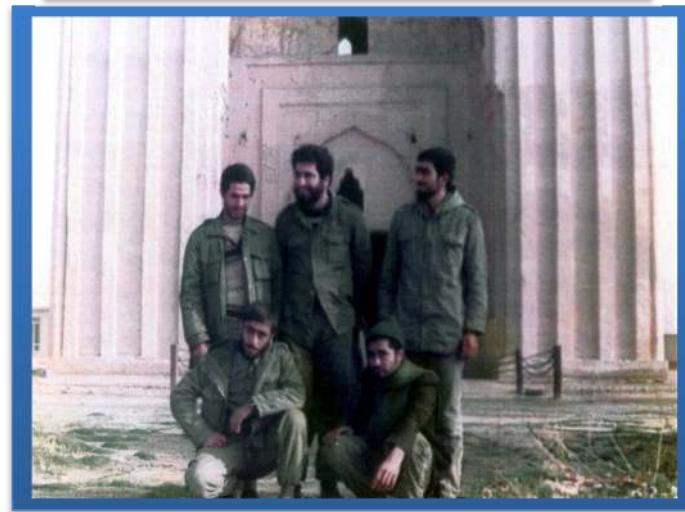
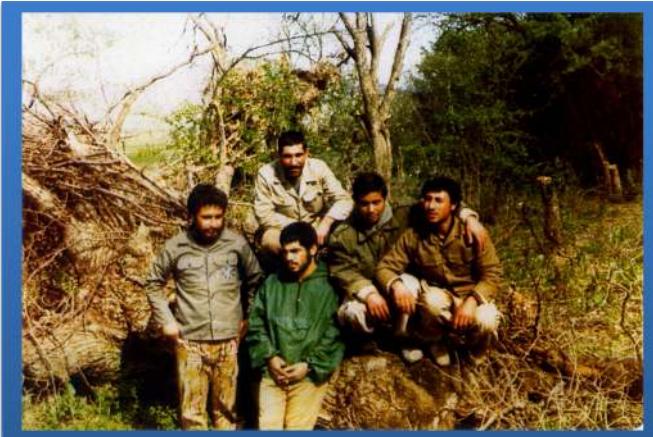


یک بار از ناحیه پا مجروح شده بود، سه روز در بستر بیماری بود، اما به خانواده‌اش اطلاع نداده بود؛ چون مادرش را خیلی دوست داشت و نمی‌خواست آزرده خاطرش کند.



حمید عزیز بعد از سال‌ها تلاش و مجاهدت هنگام بازگشت از یک عملیات موفقیت‌آمیز ۲۴ آبان‌ماه ۱۳۶۴ در کمین ضدانقلاب افتاد و به شهادت رسید.







چه زیباست لحظه‌ای که تفنگ از زمین کنده می‌شود و به سوی دشمن نشانه می‌رود و چه شیرین است آن هنگام که در خون خود می‌غلطیم و با شهد شهادت سیراب می‌شویم.



سلام، سلامی گرم از میان دود و آتش. سلامی گرم از میان غرش توپ و تانک. سلامی گرم از میان ترکش خمپاره‌ها. سلامی گرم و پرمحبت گرم از میان قلب‌های پاک و صاف و صادق و جان بر کف نهاده جوانان و رزمندگان اسلام. سلام بر روح الله ابرمرد تاریخ، مرد سازش‌ناپذیر و آن نائب بر حق امام زمان (عجل الله تعالى فرجه) خمینی بتشکن. سلام و درود بر شهیدان گلگون کفن، ادامه دهنده راه حسین (علیه السلام) و سلام و درود بر امت حزب الله و همیشه در صحنه.